



گفت‌وگو  
زهرا چیدری

فرقی نمی‌کند در کدام بخش از جغرافیای این سرزمین پهناور باشید، حتی حالا هم که حدود ۱۷۰ روز از آغاز جنگ رمضان می‌گذرد و کشور در شرایط نه جنگ نه صلح است، اما همچنان حضور مردم در خیابان‌ها ادامه دارد و گروه‌های جهادی پای کار ایرانند. گروه جهادی شهید میر غنی‌زاده در بافق یزد هم یکی از گروه‌های جهادی بانوان است که بیش از ۲۰ سال قدمت دارد و فعالیتش را روی کمک به نیازمندان متمرکز کرده بود و برای دختران دم‌بخت جهیزیه تهیه می‌کنند تا به خانه بخت بروند و زندگی مشترکشان را آغاز کنند. با شروع جنگ رمضان، اما این گروه جهادی به همراه یک گروه فرهنگی دیگر فعالیت‌هایشان را روی حضور مردم در خیابان متمرکز کردند و در کنار کارهای جهادی قبلی، برپایی موبک، ایستگاه‌های صلواتی، انجام کارهای فرهنگی و برپایی تریبسون آزاد و جهاد تبیین را در دستور کار خود قرار دادند. کارهایی که حتی در سخت‌ترین شرایط و در شب‌های طوفانی هم ادامه داشته است. مرصیه دهقان‌زاده، مسئول این گروه جهادی که خودش مادر چهار فرزند است با همراهی فرزندانش پای کار است و در گفت‌وگو با ما تأکید می‌کند: «حتی اگر سنگ از آسمان بیاید، ما پای کار ایران هستیم.»



گفت‌وگوی «جوان» با مسئول گروه جهادی شهید غنی‌زاده بافق یزد

# اگر سنگ از آسمان بیاید ما پای کار ایران هستیم



یکی از خاطرات جالب، حضور مادر امام جمعه شهرمان بود که اصلاً او را نمی‌شناختم. یک پسرزن آمد و گفت می‌خواهد نان بپزد، ولی آن شب مسئولش مریض بود و خمیر در سست نکرده بود. خیلی ناراحت شد و گفت توفیق ندارم. گفتیم خب فردا بیا. فردا آمد و وسایلش را آورد و مستقر شد. بعداً فهمیدیم که مادر امام جمعه است



همراهی و همدلی مردم عالی است. مثلاً در همین بحث آشپزی و ایستگاه‌های صلواتی، اوایل سه‌خانم بودیم که تصمیم داشتیم آشپزی کنیم، الان شدیم شاید ۵۰ خانم. واقعاً خانم‌ها با جان و دل آمدند. شب‌های اول همه می‌خواستند کاری انجام دهند و گوشه‌ای از کار را بگیرند از پرچم تکان دادن گرفته یا حتی موبک پهن کردن و جارو کردن؛ هر کس می‌خواهد سهمی در این ماجرا داشته باشد



ما همه با هم و خانوادگی به تجمع می‌رویم و همه با هم همدلی. من چهار فرزند دارم. دختر بزرگم ۱۶ ساله است که خودش بحث رسانه را دست گرفته است. فرزندان دیگرم که ۸ و ۱۰ ساله و چهار ساله هستند هم خیلی دوست دارند آنجا باشند. پسرها عاشق پرچم هستند و برایشان پرچم گرفته‌ام و برای پرچم‌گردانی خیلی اشتیاق دارند. اصلاً بچه‌ها منتظرند و نگاهشان به ساعت است تا زودتر به تجمعات برویم. اگر ما هم نخواهیم برویم آنها پای‌انداز ما بیشتر دلشان می‌خواهد در تجمعات حضور داشته باشند.

**مردم را چطور می‌بینید؟ هنوز پای کار هستند؟**

بله، مردم پای کارند. استقبال خیلی زیاد بود. سر موبک‌مان بعضی شب‌ها تا ۴۰۰ نفر جمعیت داشتیم.

**در این مدت چه خاطره‌ای برایتان جذاب بوده؟ از حضور مردم یا خیرینی که کمک کردند.**

بیشتر شب‌ها خاطر‌مساز بود. اوایل جنگ خانم‌ها واقعاً افسرده بودند. یکی آمد و پیشنهاد پخت نان داد. اولین گروهی که در استان پخت نان راه انداخت. ما بودیم، حتی مرکز استان از ما الگو گرفت. تنور آوردیم، هزینه کردیم و خستگی داشتیم، ولی شب‌ها کار نان پختن را با جان و دل پیش بردیم. یکی از خاطرات جالب، حضور مادر امام جمعه شهرمان بود که اصلاً او را نمی‌شناختم. یک پسرزن آمد و گفت می‌خواهد نان بپزد، ولی آن شب مسئولش مریض بود و خمیر درست نکرده بود. خیلی ناراحت شد و گفت توفیق ندارم. گفتیم خب فردا بیا. فردا آمد و وسایلش را آورد و مستقر شد. بعداً فهمیدیم که مادر امام جمعه است. با اینکه بی‌سواد است، ولی خیلی خوش‌مشرب است و بچه‌ها را تحویل می‌گیرد. این برای ما خیلی جالب بود که مادر امام جمعه، پای تنور نشسته و نان می‌پزد و با احترام بین مردم تقسیم می‌کند. البته مشکلاتی هم بوده، ولی خاطرات خوب هم زیاد بوده است.

**حضور زنان را در چنین شرایطی چقدر مؤثر می‌دانید؟**

همین صحبت رهبری بود که اگر حرکتی زنان در آن نباشند، به ثمر نمی‌رسد. واقعاً همین است. مخصوصاً در شهر ما این مسئله خیلی نمود داشت، به‌خصوص هفته‌های اول. اگر خوش‌بینانه بگوییم، ۷۰ درصد شرکت‌کنندگان در تجمعات خانم‌ها هستند و ۳۰ درصد آقایان.

**به نظر شما چرا خانم‌ها بیشتر حضور دارند؟**

من فکر می‌کنم ششور انقلابی در خانم‌ها بیشتر یکی به خاطر روحیه لطیف و حساس‌شان است. یکی هم اینکه مشغله خانم‌ها شاید کمتر باشد، ولی آقایان موظفند صبح زود بروند سر کار و خسته برمی‌گردند. خانم‌ها در خانه هم مشغله دارند، اما خستگی‌شان شاید کمتر باشد. شهر ما همه ولایت هستند، اما مردان اغلب کارگر معدن هستند، خسته می‌آیند و انرژی ندارند دوباره بیان کف میدان، ولی روحیه انقلابی در خانم‌ها حساس‌تر است و بیشتر اثر می‌گذارد.

**آیا این روزها و شب‌ها با ایجاد فضای نه جنگ، نه صلح فعالیت‌های جهادی‌تان همچنان ادامه دارد؟**

بله، همین الان یک خانم از زیرمجموعه‌های خودمان زنگ زد که مشکل مالی دارد. ۱۳ میلیون جور کردیم، ۱۰ میلیون آن چک است که آخر سال یا عید بدهد، بقیه را ندارد. کارهای دیگر هم داشتیم. خانواده‌هایی که از اول بودند را نه‌مانی کنیم، حتی اگر آنها سراغ ما را نگیرند، ما سراغشان می‌رویم. چندین سال است مثل خانواده خودمان شده‌اند.

**آیا این مدت تعداد خیرین یا نیازمندان اضافه شده است؟**

ما یک گروه داریم و مواردی که نیاز باشند را به آنها اعلام می‌کنیم. خیرین اصلی ما ثابت هستند، اما خب هستند کسانی که موردی و هراز‌چندگاه مقداری کمک می‌کنند. در مورد نیازمندان هم بعضی موارد را دوستانی معرفی می‌کنند. یک تحقیق کوچک می‌کنیم که بفهمیم واقعاً نیاز دارند یا نه، ولی خیرین‌مان تقریباً ثابت هستند.

**آینده را چگونه می‌بینید آیا مردم همچنان پای کار می‌مانند؟**

مردم تا الان ماندند. اگر مسئولان خسته نشوند مردم خسته نمی‌شوند و پای کارند.

**آیا نهادهایی مثل هلال‌احمر و بسیج با شما همکاری دارند؟**

بله، بسیج آموزش اسلحه را برآیمان انجام دادند و گاهی کمک‌هایی در حد جای یا قند و بازدید از موبک‌ها و خدقوت گفتن بوده است. البته ما هم همکاری‌هایی داشته‌ایم. به‌طور مثال شب‌های اول جنگ ما هم بحث پذیرایی برای ایستگاه بازرسی را داشتیم، ولی بعد فرمانداری پذیرایی ایستگاه‌های بازرسی را تقبل کرد. هلال‌احمر هم آموزش کمک‌های اولیه برای خانم‌ها و آقایان جادگانه گذاشت و بدون چشمداشت هر وقت گفتیم، آمدند.

**و کلام با بانی.**

در تجمعات شبانه‌مان یک شب طوفان وحشتناکی بود، نیم ساعت در فضای بیرون خاک و گردوغبار چسبناک بود. بادهای ۱۲۰ روزه سیستان را که شنیده‌اید سمت ما هم می‌آید، ولی ما حتی یک شب هم حضور در خیابان را تعطیل نکردیم. یک شب خیلی طوفان بدی بود با اینکه طوفان باندها را می‌انداخت، اجتماع اصلی شهرستان همان شب بر گزار شد. حدود ۲۰ نفر از بچه‌های اصلی رفتیم. سخنرانی نداشتیم، ولی پرچم بود. وقتی به خانه برگشتیم، چادرها پر از گل و خاک بود، مژه‌ها خاک‌آلود و قهوه‌ای شده بود. خودمان هم هشتگ زدیم «بستاده در غبار». با تمام اینها برگزاری تجمع آن شب خاطره خیلی خوبی شد. بچه‌ها با موتور آمده بودند، در آن طوفان شدید نمی‌توانستند برگردند، ولی مراسم برگزار و به نوعی مدیریت شد. خیلی قشنگ بود. بچه‌ها می‌گویند هیچ یک از تجمعاتمان به آن خوبی نبود. ان‌شاءالله که تا آخر بهمانیم، حتی اگر سنگ از آسمان بیارد، ما پای کار ایران هستیم.